



آغازین است. این افسانه‌ها غالباً از جاذبه‌های عمومی و کلی سرشار است و همین جاذبه‌هاست که آنها را به سرعت از ملتی به ملتی و از سرزمینی به سرزمینی می‌برد و جاودانه می‌کند.

امروزه با سرعت ارتباط و نفوذ و تأثیر اقتصاد در همه‌ی شئون زندگی و بالاتر از همه ارتقای سطح فرهنگ و وجود وسایل تفننی و تفریحی ضرب آهنگ ایجاد و انتشار چنین افسانه‌هایی کندتر و خفیف‌تر شده و وسایل سرگرم‌کننده‌ای که از جاذبه‌های بسیار هم برخوردار است کودکان را از کنار مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها دور کرده است اما صورت‌های دیگری از خیال‌پردازی و بازی خیال رایج شده که می‌تواند با زمینه‌های تازه، افسانه‌های نو بیافریند و به سرعت رواج دهد. با توجه به این موارد، گردآوری روایت‌های کهن و تحلیل و بررسی آنها یک ضرورت است. ضرورتی لازم و در جهت شناخت ملت‌ها حیاتی، چه، سنت شکنی‌های غیرعادی و بی‌اعتنایی نسل نو به گذشته‌ها و کوتاهی افسانه‌پردازان امروز در استفاده از جاذبه‌ها و آرایه‌های دلنشین، موجودیت و شخصیت خاطره‌های جمعی را که پرجاذبه‌ترین مواد فرهنگ ملی است به خطر انداخته است و بیم آن می‌رود که یک باره پیوندهای عاطفی که ما را در طول قرن‌ها با وجود شکست‌های سیاسی برپای داشته گسسته شود.

تحلیل افسانه‌ها به ویژه از جهت شناخت ارزش‌های اجتماعی و جنبه‌های مردم‌شناسانه اهمیت دارد، زیرا داستان‌های کهن و به خصوص نقل‌ها و روایت‌های عامیانه معمولاً در بردارنده‌ی نیازها و آرزوهای مردم است. به همین سبب که از مهم‌ترین و غنی‌ترین منابع در مطالعه‌ی جامعه‌شناسانه و پژوهش در زندگی اجتماعی به شمار می‌رود.

تاریخ‌ها، کتاب‌ها و حتی ذهن‌های آماده‌ی آموزش دیده، جز نام نام‌آوران و رویدادهای مهم زندگانی آنها چیزی در بر ندارند و این همه اگر از دستبرد زمان و تغییرات اتفاقی، طبیعی و جبری در امان مانده باشد می‌تواند به صورتی اجمالی نادانسته‌ها را پاسخ دهد. در حالی که کهن‌ترین مرده ریگ فرهنگی بشر که همین تخیلات درهم بافته و افسانه‌وار است از دیرینه‌ی زندگی تا لحظه‌های تاریخی و در پیوند با ما، آرامش بخش جان‌ها بوده و عزیز شمرده شده است. این افسانه‌ها پالوده‌ترین و پویاترین بخش فرهنگ و ماندگارترین آنهاست زیرا متناسب با موقعیت‌های زمانی و مکانی برابر با خواست‌ها و نیازهای مردم سایش خورده و در همان آرایش ساده و طبیعی خود گنجینه‌ای از فرهنگ مردم را در درون دارد. این است که بن‌مایه‌ی بسیاری از هنرهای امروزی و باورها و پندارها را باید در افسانه‌های آغازین و اسطوره‌های به ظاهر بی‌ارزش جست‌وجو کرد که رویدادهایی متعلق به

لحظه‌های تاریخی زندگی بشر بوده که در طی قرن‌ها با تغییرها و شکست و ادغام‌ها ترکیبی هم‌آهنگ و همخوان یافته و به صورت افسانه‌ای قابل پذیرش باقی مانده است.

از میان محققان مسلمان محمد بن ندیم به مناسبت، از افسانه‌ها سخن گفته و درباره‌ی اولین کتاب داستانی باقی مانده هزار افسان و علت وجودی آن می‌نویسد: «این کتاب را برای همای دختر بهمن نوشته‌اند و مشتمل بر هزار شب و کمتر از دویست حکایت است، چه بسا که یک حکایت در چند شب گفته می‌شده و ادامه می‌دهد که: (من تمامی این کتاب را مکرر دیده‌ام کتاب بیهوده خنکی است)». او پس از نقل روایت مشهوری که در باب کتاب الف لیلة و لیلة و قصه پرداز آن - شهرزاد - و همکار یا امین خرج شاه - دینارزاد - است اشاره می‌کند که: «ابن عبدوس جهشیاری - قرن چهارم هـ. بر آن شد تا کتابی هزار افسانه از قصه‌های عرب و ایران و روم و غیره را جمع‌آوری کند که هر قصه به خودی خود مستقل باشد اما تنها چهارصد و هشتاد قصه را گرد آورد که مرگ بدورسید»<sup>۲</sup>.

توصیف ابن ندیم ارتباط هزار افسان را با آنچه بعدها به نام الف لیلة و لیلة در عربی تنظیم شده و سپس به نام هزار و یک‌شب برگردان فارسی یافته است اثبات می‌کند. از دیگر محققان، مسعودی هم وقتی از داستان شداد و ارم ذات العماد سخن می‌گوید می‌نویسد: «این اخبار مجعول و

# گذری و نظری در باغ خیال هزار و یک شب

دکتر محمدرضا راشد محصل



امروز هم در زندگی انسان‌ها جایی خاص دارد چه، علاوه بر عوامل طبیعی و جبری و راه‌جویی‌های اقلی، خرد انسانی غالباً سختگیر، باریک‌بین و دیرقبول است و بیشتر افراد نمی‌توانند یا آن فرصت را ندارند که برای هر موضوعی ساعت‌ها به اندیشه بنشینند و راه منطقی بجویند. با این وجود آنها نمی‌توانند در برابر پرسش‌های ذهنی هم بی‌تفاوت باشند و خارخار پاسخ‌جویی آنان را آسوده نمی‌گذارد؛ این است که به تخیل رو می‌کنند و به مدد تجربه‌های شخصی و تاریخی، گریزگاهی اقلی می‌جویند. این سیر ذهنی و این گلگشت در باغ خیال در همه‌ی زمان‌ها و برای همه‌ی افراد دوست‌داشتنی است. خردورزترین کسان هم خوش دارند که در مقاطعی مشخص با آرزوهای خواب مانند خویش که مناسبت‌هایی با سیر روحانی و پیوندهایی با عالم معقولات هم دارد سرگرم شوند. البته می‌توان این سیر ذهنی را اختیاری و حتی تفننی دانست در حالی که خیال‌بافی‌های اولیه و ذهنیت‌های آغازین روزهای زندگی اجتماعی بشر بر مبنای نیاز بوده و اولین تجربه‌های فکری است که بن‌مایه‌ی ساخت و پرداخت اسطوره‌های

برای بشر همیشه پرسش‌هایی وجود دارد که پاسخ اقلی آنها نیازمند مقدمه‌های منطقی و دریافت عقلی است. شاید همه‌ی این پرسش‌ها در آغازین روزهای زندگی بی‌جواب می‌مانند و عقل بالفعل انسان آن روز برایش پاسخی قانع‌کننده نمی‌یافته است. اما در عین حال نمی‌توانسته از آن درگذرد و به ناچار در جهت یافتن پاسخی تسکین‌دهنده به تخیل روی می‌آورده و با تصورات بر ساخته به نوعی آرامش می‌رسیده است. این‌گونه‌ی معرفتی با این که او را به شناخت حقیقی نمی‌رسانده و قانع هم نمی‌کرده، تشویش و نگرانی‌اش را تا حدی تخفیف می‌داده است. بخش عمده‌ی باورهای ابتدایی حاصل همین خیال‌بافی‌های حقیقت‌جویانه بوده که باید آنها را اولین دریافت‌های بشری حاصل از تصورات ذهنی و تجربه‌های عملی دانست. مدد خواهی از تخیل حتی



پژوهش کرده‌اند به مناسبت از متن اصلی الف لیلة و لیلة هم سخن رانده و نظرهایی ابراز داشته‌اند که در صورت اهمیت به آنها اشاره خواهد شد.

از جمله کارهای ارزنده‌ای که در زمینه‌ی الف لیلة و لیلة انجام گرفته مقاله‌ای است که ایران شناس مشهور استروپ Q, Estrup در دایرةالمعارف اسلام نوشته و ویژگی‌های این کتاب ارجمند را برشمرده و دریافت‌های مستند خود را درباره‌ی مآخذ داستان‌ها، سیر تکاملی و تحول برخی از آنها و تعلق سرزمینی و اجتماعی بسیاری از افسانه‌ها یاد کرده است. او بر این باور است که می‌توان بر پایه‌ی حوادث داستان و اوج و فرود آنها، همچنین شیوه‌ی ورود در نقل داستان و به پایان رسانیدن آن، سه گروه افسانه را تشخیص داد:

– قصه‌هایی که از کتاب هزار افسان اقتباس شده یا بر پایه‌ی این داستان‌ها و متناسب با محیط ایران بازنویسی شده است.

– افسانه‌هایی که در بغداد پدید آمده و به گونه‌ای با داستان‌های سندباد بحری همخوانی دارد می‌تواند مربوط به دوران پیشرفت و توسعه‌ی بغداد و بصره باشد، اگر چه پیشینه‌ی فرهنگی این دو شهر مناسبت‌های خاص فرهنگی و ارتباط‌ها و برخوردهای دو فرهنگ ایران و عرب را گواه است. البته ممکن است که این داستان‌ها در اصل استقلال داشته و کتابی جداگانه از روایت‌های دریانوردی بوده باشد چنان که در ادبیات یونان و مصر داستان‌های همانند با داستان سندباد بی سابقه نیست. این فرضیه نظر استروپ را سست می‌کند، به ویژه که او داستان‌های مصری را که از سویی مایه و راز هزار افسان شده و از سوی دیگر با تمدن غیرایرانی دره‌ی نیل در ارتباط است نیز در این تقسیم‌بندی جای می‌دهد.

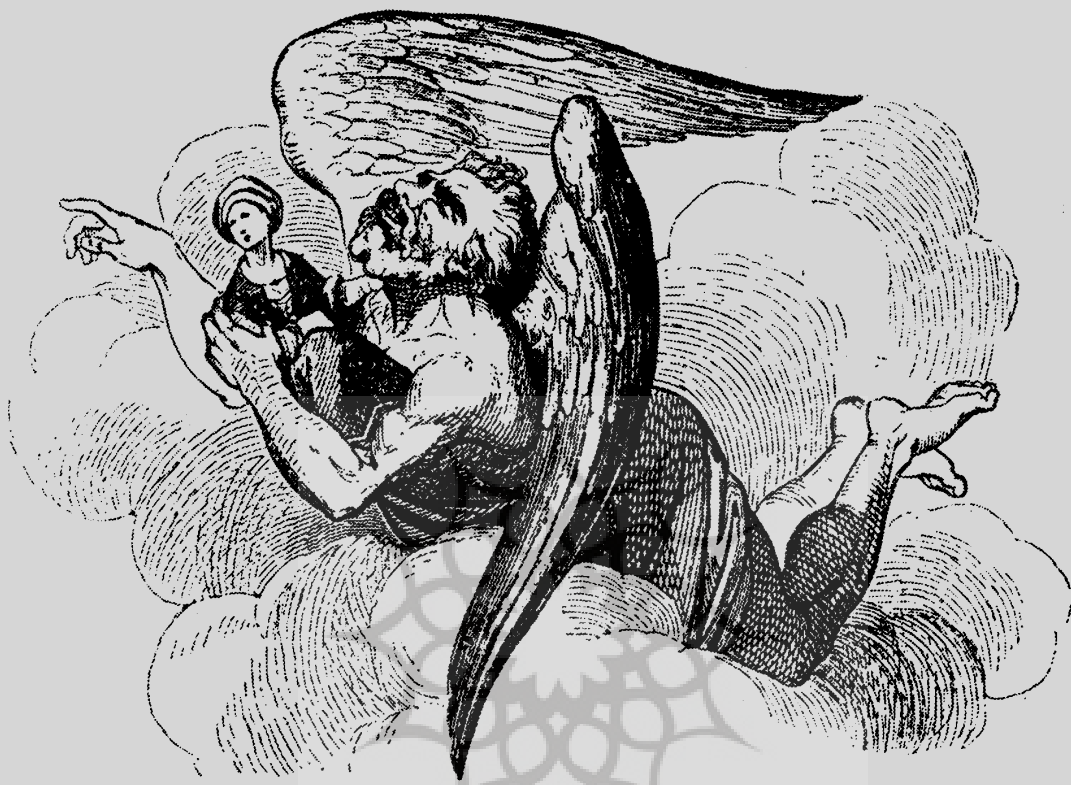
– داستان‌های هندی، هم از جهت ورود در داستان شیوه‌ی خاص دارد و هم محیط اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی آن متفاوت است. به علاوه این داستان‌ها با شگفت‌کاری‌هایی همراه است که بیشتر زاده‌ی محیط هندوستان و سرزمین پر از عجایبی است که در طول قرن‌ها سیاحان و داستان‌پردازان و تاریخ‌نویسان از آن سخن گفته‌اند و تمامی هم ندارد.

نظر استروپ درباره‌ی داستان‌های پری‌وار و این که از هزار افسان گرفته شده درست است، زیرا پری در کیش مزدیسنا از جلوه‌های بدی و از ترفندها و ترفندسازهای اهریمنی است و در آیین زردشتی از او به زشتی یاد شده است.<sup>۶</sup> پیش از این کیش چه بسا که پری از ایزد بانوان مزدایی بوده که در کیش زردشتی از اریکه‌ی قدرت به درکه‌ی زوال و وبال فرو افتاده است و داستان‌های بر ساخته در دوره‌ی میانه یا بازمانده از روزگاران کهن تر، می‌تواند از پری در دو چهره نشان دار باشد.

اما این که بعضی داستان‌های بیهوده و بی‌هدف را ایرانی دانسته درست نمی‌نماید. زیرا این افسانه‌ها، نه پیشینه‌ای دارد و نه از استواری‌های لازم برخوردار است.

قراین دیگر نیز دال بر مشابه‌سازی و ساختگی بودن آنها وجود دارد به خصوص که این افسانه‌ها تألیف یک فرد نیست تا نمایشگر هنر او باشد، بلکه افسانه‌هایی است که طی قرن‌ها در جهان گردش کرده و هر قوم و قبیله‌ای به تناسب ذوق و برابر خواست خود چیزی بدان افزوده است. حتی گاه در بردارنده‌ی مطالب یک کتاب مستقل است و از این جهت تنوع مضمون‌ها، گوناگونی سلیقه‌ها، تعدد هدف‌ها و گاه تضادهای فراوان آن را کم مانند و شاید بی‌مانند کرده است.

چنان که اگر کتاب را یک دایرةالمعارف منطقه‌ای یا حتی جهانی بدانیم بر بی‌راه نرفته‌ایم زیرا تعلق سرزمینی و فکری این داستان‌ها مشخص نیست، بلکه هر مجموعه یا افسانه پس از سیر و سفر بسیار و تغییرات فراوان گردآوری شده و از نیازها و آرزوهای ملت‌های مختلف مایه‌دار است. مثلاً حکایت اردشیر و حیات النفوس<sup>۷</sup> که از شب هفتصد و بیستم شروع و تا شب هفتصد و سی و هشتم را دربر می‌گیرد و مجموعه‌ای است که از جهت فکری، زیستی، امکانات اجتماعی و مقتضیات حکومتی آگاهی‌هایی از ایران، هند، عرب و حتی یونان می‌دهد چنان که عناصری چون نام اردشیر، موقعیت وزیر، مکان حکومتی، اندیشه‌های عیاری و درزی بازگانان به عراق رفتن، نامه‌نگاری‌های دوجانبه، زمین بوس کردن‌ها و... نشانه‌هایی از رسوم ایرانی دارد و نداشتن فرزند، مشورت‌های مداوم‌گونه، ناسزاها و تهدیدها، مکافات از نوع مثله کردن، دگرگونی‌ها و نجواهای



نام شهرزاد به همای چهر آزاد کوشیده است تا هزار و یک شب را به کتاب استر نزدیک کند.

بیشتر اطلاعات کتاب‌های فارسی و عربی و فرهنگ‌ها مایه گرفته از همین مطالب مسعودی، ابن ندیم و اشاره‌های طبری است. از محققان غربی شاید اولین کسی که به صورت علمی و نقادانه به الف لیلة و لیلة پرداخته است سیلوستر دوساسی است که نتیجه‌ی پژوهش‌های خود را در مجله‌های شرق‌شناسی و سپس به صورت کتابی اختصاصی انتشار داده است.<sup>۵</sup> او گفته‌ی مسعودی را که می‌نویسد: «افسانه‌هایی که پس از ترجمه شدن از متن‌های فارسی و هندی یا یونانی به ما رسیده و از آنها کتاب معروف به هزار افسانه است که در زبان عربی الف خرافه نامیده می‌شود و عامه مردم آن را الف لیلة می‌نامند» قبول ندارد و کتاب را از داستان‌های فارسی و هندی نمی‌داند. به عکس ساسی، پورگشتال می‌پندارد که مواد فکری قصه‌های الف لیلة و لیلة بیشتر از ایران و هند است زیرا عرب از وسعت اندیشه و گستره‌ی خیال بهره کافی نداشته‌اند و در محیطی پربرخورد زندگی نمی‌کرده‌اند که قصه‌هایی از این دست پردازند.

محققان دیگر غربی که درباره‌ی تقلیدهای هزار و یک شب

خرافی است و کسان ساخته‌اند تا به وسیله روایت آن به شاهان تقرب جویند و با حفظ و مذاکره‌ی آن بر مردم زمانه نفوذ یابند و از قبیل کتاب‌هایی است که از فارسی و هندی و رومی نقل و ترجمه شده و ترتیب تألیف آن چون کتاب هزار افسانه یعنی هزار خرافه است که خرافه را به فارسی افسانه گویند و مردم این کتاب را الف لیلة و لیلة یعنی هزار و یک شب گویند که حکایت ملک و وزیر و دختر او و کنیز دختر است که شیرزاد و دنیا زاد نام دارند.»<sup>۲</sup>

بعضی هم شاید بر پایه‌ی برخی اشاره‌های شاعران از جمله قطران تبریزی که می‌گوید:

هزار ره صفت هفت خان و رویین دژ

فزون شنیدم و خواندم من از هزار افسان  
پنداشته‌اند که خداینامه با هزار افسان یکی بوده  
یا این که داستان‌های مشترک در این دو اثر  
وجود داشته است.

طبری هم وقتی از هزار افسان آگاهی می‌دهد مادر بهمن را استر Esther می‌نامد و دخویه با دادن



برخی فرقه‌ها، چون عیاران و فتیان و قلندران راهنما باشد. البته این راهنمایی‌ها موقوف بر تفصیل اجزاء و گاه ترکیب آنها با یکدیگر است زیرا این داستان‌ها ملغمه‌هایی ترکیب یافته از مواد گوناگونی است که از فرهنگ‌های متفاوت گرفته شده و در طول زمان آمیزشی متناسب یافته است، مثلاً در کنار عیاران و قلندران، دزدان و چپاولگران جای گرفته‌اند و ترفندهای زیرکانه‌ی عیاران را حرکت‌های سایه‌وار ارواح و طلسم و جادوی دیوان و پریان بی‌اثر می‌کند که تعلق فرهنگی این عناصر یکسان نیست و کیفیت ترکیب آنها از رویدادهای همانند یا برخورد فرهنگی ملت‌های مختلف حکایت دارد.

چنان که داستان زن پرهیزکار - شب چهار صد و شصت و سوم - از عناصر سامی - یهودی و عیسوی - و ایرانی و اسلامی ترکیب یافته است.<sup>۱۱</sup>

نویسنده مقاله دایرةالمعارف - استروپ مجموعه داستان‌های کتاب را به شش گروه بخش می‌کند و از این انواع پنج گروه را با فرهنگی مشخص پیوند می‌دهد. در گروه ششم به داستان‌های متفرقه اشاره می‌کند که به گمان او تعلق به فرهنگی خاص ندارد. این گزینش اگر چه با دقت انجام گرفته اما به دلیل برخورد‌های فرهنگی و ارتباط این افسانه‌ها با فرهنگ‌های متفاوت نمی‌تواند از قطعیت لازم برخوردار باشد.

ترجمه این کتاب وسیله‌ی میرزا عبداللطیف تسوجی تبریزی از دانشمندان اواخر قرن سیزدهم انجام گرفته که عضو مصلحت‌خانه‌ی دوران قاجار است<sup>۱۲</sup> و صنیع‌الدوله مرگ او را پیش از سال ۱۳۰۶ یعنی ابتدای قرن چهاردهم می‌داند. او اول به فرمان محمدشاه ترجمه‌ی این کتاب را آغاز کرده و در روزگار ناصرالدین شاه به پایان رسانیده است. از خلال مطالب کتاب پیداست که مردی فاضل، دقیق و نکته‌بین بوده و از هنر نویسندگی و جاذبه‌های سخنوری و سخن‌پردازی آگاهی داشته است. در مقدمه می‌نویسد: (حکیمان را رسم و آیین چنین است که گاهی به صورت افسانه سخن گویند و گاهی از زبان دد و دام حدیث کنند و مقصود از آن همه، پند گفتن و حکمت آموختن است ولی این حیلت را به کار برند که عامه طباع را به گفته‌ی ایشان رغبت افتد... چنان چه... مؤلف الف لیلة و لیلة نیز بدین نمط سخن رانده و عجایبی چند از احوال پیشینیان و غرایبی چند به عنوان افسانه از زبان جانوران یاد کرده و اشعار نغز و لطیف ایراد نموده است... مدرس تبریزی مؤلف ریحانة الادب می‌نویسد که: «تسوجی معلم ناصرالدین شاه بوده و بدان سبب مالباشی لقب یافته است از آثار قلمی او ترجمه الف لیلة و لیلة را باید نام برد که به فارسی فصیح ترجمه کرده است.»<sup>۱۳</sup>

شمس الشعرا محمدعلی تسوجی مشهور به سروش اصفهانی هم دستیار او در این ترجمه بوده و هم اشعار عربی کتاب را به نظم فارسی برگردانده است.

درباره‌ی هزار و یک شب و نظیره‌ها و ترجمه‌های آن تحقیق‌های زیادی صورت گرفته اما هنوز هم جای پژوهش‌های تازه خالی است. به‌خصوص که این کتاب ظرفیت‌های چندگانه دارد و بر پایه‌ی این ظرفیت‌ها مخاطبان و علاقه‌مندان آن متفاوت است؛ گروهی آن را برای وقت‌گذرانی و ترفیه خاطر می‌خوانند، اما گروهی دیگر از مطالب آن بهره‌های علمی، اخلاقی و تجربی می‌گیرند.

در یک سخن ملغمه‌ای از تمثیل‌ها، افسانه‌ها و ماجراهای گوناگونی است که شخصیت‌های مناسب و متناسب، اجراکنندگان آنها، شگفت‌ترین که سخت‌کوش‌ترین و در عین حال خردمندترین این اشخاص خود شهزاد است که با تجسم صحنه‌های خاص از طریق ترفندهای خردپذیر هیولای مرگ نابهنگام را به سخره می‌گیرد و بالاخره هم درهم می‌شکند. بسیاری افسانه‌ها، تعدد صحنه‌ها، گوناگونی تعلق‌ها و ریشه‌ها و غیر آن از جمله‌ی انگیزه‌هایی است که ذهن‌ها را مشغول می‌کند. نوشته‌اند استاندال نویسنده‌ی رمان سرخ و سیاه گفته است که هزار و یک‌شب یک چهارم مغز مرا اشغال کرده است. این سخن اگر مبالغه هم باشد، دلیل بر اهمیت کتاب و گوناگونی موضوع‌ها، در نتیجه لزوم بررسی و تحقق درباره‌ی آنهاست.



مختلف است ساده نیست و در عین حال بازشناسی این عناصر نیازمند آگاهی‌های ژرف و گسترده و نکته‌یابی‌های خاص است. با همه‌ی این‌ها همان اطلاعات کلی که نسبت به برخی از گروه‌ها و افراد می‌دهد خود اهمیت دارد زیرا مثلاً آنچه از خلال داستان‌ها نسبت به زنان می‌توان دریافت بیش از مطالبی است که در کتاب‌های گذشته‌ی ما آمده است.<sup>۹</sup>

ساخت و پرداخت بعضی داستان‌ها نشان‌دهنده‌ی دقت داستان‌پرداز و هنر داستان‌پردازی است. مثلاً مجموعه داستان حسن بصری و نورالنساء کلیدهای آشکاری در جهت جاذبه‌ی دادن‌های پذیرشی دارد، از جمله انتخاب نام‌های داستان از نوع حسن بصری، عجمی و دخالت دادن تفکر زردشتی از طریق شخصیت مجوسی، انتساب کرامت به حسن، اندیشه‌ی کیمیاسازی و جزئیات دیگر که هدفش علاقه‌مند کردن خواننده به مطالعه و جست‌وجوی عناصر مشترک فرهنگی باشخصیت‌های داستان است.<sup>۱۰</sup>

سخن کوتاه، اگر کیله و دمنه و داستان‌های حیوانات آن، یادآور ارزش‌های جامعه‌ی هند است، هزار و یک شب داستان‌هایی دارد که می‌تواند حلقه‌های مفقوده‌ی برخورد فرهنگ‌ها را بشناساند و دریافت موقعیت‌های زمانی و مکانی و مقتضیات اجتماعی دوران شکل‌گیری آنها را ممکن سازد، حتی محققان را به نشانه‌ها و سنت‌های گروهی

مجنون‌وار از مسیر داستان‌های تازی است. معجون‌سازی و ترفندهای دایه، هم نشان از عیاری دارد و هم با فرهنگ هندی همخوان است. هدف داستان و نوع برخورد اردشیر و حیات النفوس در باغ و در قصر، داستان باکره‌ی خدایان را در یونان، وامق عذرا را در ایران و بشینه و جمیل را در ادبیات عرب تداعی می‌کند.

این تلفیق یا خلط، اختصاص به یک مجموعه ندارد بلکه در بیشتر موارد و شاید در همان داستان‌هایی که گمان می‌رود از هزار افسان نقل شده نیز باشد.<sup>۸</sup> بنابراین باید پذیرفت که هزار و یک شب داستان‌نامه‌ای است که از فرهنگ‌های مختلف به ویژه اقوامی که به گونه‌ای با تمدن ایرانی و فرهنگ اسلامی در پیوند بوده‌اند تأثیر پذیرفته و مجموعه‌هایی تلفیقی از آداب و رسوم و سنت‌ها و باورها است که پس از متناسب‌سازی در ترکیب افسانه‌ها جای گرفته و به دلیل جاذبه‌های ذاتی یا تناسب ترکیبی ماندگار شده است. به همین سبب گرانبهارترین زمینه‌ها برای پژوهش‌های اجتماعی، زبانی و فرهنگی است. اگر چه جدا کردن داستان‌های اصلی و هدفمند از داستان‌های تقلیدی و ساختگی که آمیخته‌ای از عناصر فرهنگی اقوام



تازه‌ای از همان قصه‌هاست. در شب اول که مقدمات ادامه‌ی داستان‌های بعدی فراهم می‌شود گفت‌وگو از خواب پادشاه هند و تعبیر آن است که با تمهیداتی معبر صراحت پیشه می‌گوید: «ای ملک بدان که از تو پسری به وجود آید که پس از زندگانی دراز تو وارث مملکت باشد و لکن خلاف شیوه‌ی تو با رعیت ستم خواهد کرد و رسوم عدالت فرو خواهد گذاشت و تأکید می‌کند که بر وی خواهد رسید آنچه از گربه به موش رسید ملک پرسید حکایت گربه و موش چون است مفسر جواب داد ای ملک...»<sup>۱۵</sup>

گاه حکایت‌های جنبی به صورت اپیزودهای وابسته با مجموعه‌ی اصلی پیوند می‌خورد چنان که، حکایت حاسب کریم‌الدین که از شب چهارصد و هفتاد و نهم آغاز شده، در شب چهارصد و هشتاد و سه حکایت بلوقیا به آن پیوند می‌خورد و تا شب چهارصد و نود و پنجم ادامه دارد. در این شب با پیوندی دیگر از زبان جوان، حکایت جان‌شاه و شمشه آغاز می‌گردد و تا شب پانصد و سی‌ام پیش می‌رود؛ سپس باقی حکایت حاسب کریم‌الدین ادامه می‌یابد و تا پایان شب پانصد و سی و ششم طول می‌کشد. بعد از آن حکایت سندباد آغاز می‌شود که تا شب پانصد و شصت و ششم ادامه دارد و به گفته‌ی شهرزاد داستان حاسب کریم‌الدین از آن عجیب‌تر نیست.

افسانه‌ی جوذر که از شب ششصد و ششم آغاز شده و تا شب ششصد و بیست و چهارم ادامه دارد غالباً تخیلی و شگفت‌انگیز است. حکایت عجیب و غریب که بلافاصله پس از افسانه‌ی جوذر آغاز شده تا شب ششصد و هشتادم ادامه می‌یابد و غالباً از سخن گفتن جانوران، قدرت دریافت سخن پرندگان و شگفت‌کاری‌های دیگر حدیث می‌کند.

داستان‌های سندباد بحری بیشتر ماجراجویی‌های دریانوردان و بازرگانانی است که در اندیشه‌ی سود بیشتر به سفرهای ناشناخته‌ی آبی می‌روند و با این که در این سفرها گاه سر می‌بازند و گاه سرمایه از دست می‌دهند. پس از بازگشت و استراحت مختصر، دوباره فیلیشان یاد هندوستان می‌کند و راهی دریاها می‌گردند.

این داستان‌ها غالباً تخیلی است و به عجایب و غرایبی که از گفته‌ی دریانوردان در کتاب‌ها نقل شده مانسه است و در نوع خود خالی از دقیقه‌های هنری نیست. دوساسی بن مایه‌ی این داستان‌ها را ماجراجویی‌های مسافرانی می‌داند که از سفرهای دریایی ثروت فراوانی به چنگ آورده‌اند. اما علی‌رغم این ثروت اندوزی‌ها باز هم از خطر کردن روگردان نیستند.<sup>۱۶</sup> بررسی این نوع داستان‌ها نمودار نسبتاً ارزشمندی را در جهت ایجاد افسانه‌ها و هدف‌هایی که مورد نظر است نشان می‌دهد و خواننده‌ی کنج‌کاو درمی‌یابد که متناسب با کمال

داستان و بازشناسی جایگاه عناصر آن، شیوه‌ی بیان و ظرفیت‌های معنایی نیز ساده‌تر و عامیانه‌تر می‌شود تا دایره‌ی خوانندگان وسعت بیشتری یابد.

پاورقی:

- ۱- تفضلی، دکتر احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش دکتر ژاله آموزگار، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶، ص ۲۹۸.
- ۲- همان ۲۹۸ نیز، ابن ندیم، الفهرست، رضا تجدد، تهران ۱۳۵۲، ص ۳۶۳.
- ۳- مسعودی، ابوالحسن علی. مروج الذهب و...، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ ششم، جلد اول، ص ۶۱۰.
- ۴- نقل مضمون از دایرة‌المعارف بریتانیکا، جلد ۲۳، ص ۳۱۶.
- ۵- در مورد نظرات سیلوستر دوساسی نک:

1- Journal des Sanants 1817, P, 678

2- Recherches sur L'origine du recueil



افسانه را خوب می‌شناخته و کوشیده است تا جزئیات و عناصر آنها متناسب با زمینه‌ی اصلی باشد. چنان که وقتی ساختار داستان و موضوع آن عربی یا عربی شده است نام‌های خاص، مکان‌ها و حتی نحوه‌ی ارتباط مناسب است مثلاً در حکایت ابوقیر و ابوصبر محل وقوع اسکندریه است و شیوه‌ی بیان بدون تقلید از شب نهصد و سی و یکم تا شب نهصد و چهلم رعایت شده است. البته اشعار به اقتضای موضوع از فردوسی است که گاه تغییراتی هم در آن داده شده است.<sup>۱۴</sup>

حکایت‌هایی از نوع بازرگان و عفریت، صیاد و عفریت، سه قلندر یک چشم و گوژپشت شیوه‌ی هندی دارد و شگفت‌کاری‌هایی چون در شیشه رفتن عفریت به آن فرهنگ متعلق است. بعضی از افسانه‌ها از نوع داستان‌های هفت وزیر با مسموم کردن اشخاص از طریق دست کشیدن بر کتاب، مشابه با طوطی‌نامه‌ها و شگفت‌کاری‌های هندوان در آن کتاب‌هاست.

بعضی از داستان‌های ساختگی که گاه شب‌های زیادی را هم دربر می‌گیرد همانند روایت‌هایی است که در کتاب‌هایی چون فرج بعد از شدت آمده این افسانه‌ها غالباً به هند نسبت داده می‌شود و جزئیات داستان و نشانه‌های زمانی و مکانی، همچنین روش داستان‌پردازی متناسب با زمینه‌ی داستانی است. از جمله‌ی این افسانه‌ها حکایت ملکزاده و شماس وزیر است که از شب نهصدم آغاز می‌شود و تا شب نهصد و سی‌ام ادامه دارد و همانند قصه‌پردازی‌های کلیله و دمنه است، حتی برخی از افسانه‌ها از همین کتاب برداشته شده یا بر ساخته‌های

به‌خصوص که هدف در نقل این داستان‌ها زمان‌سوزی در جهت ممانعت از یک سنت اقتدارگرایانه یا انجام یک کار نادرست است و ناچار باید افسانه‌ها از جاذبه‌های خاص برخوردار باشد و ترفندهای هنری در بیان آن به کار گرفته شود تا تأثیرش منطقی جلوه کند.

حوادث کتاب و جزئیات صحنه‌ها بیشتر به بیان جلوه‌های گوناگون زندگی مردمان مشرق زمین پرداخته است و از خلال آن می‌توان به برخی از ویژگی‌های روحی این مردم پی برد و نقاط ضعف فکری و رفتاری آنان را شناخت و از آن در به بند کشیدن و سلطه‌گری بهره برد. چنان که غربیان در مواردی هم برده‌اند. جا دارد که محققان ما با عنایت به این دقیقه، عمده‌ی کوشش خود را بدان مصروف دارند که به جای لذت بردن از افسانه‌ها و آرایه‌های شماری آنها در بازسازی جامعه از آن سود گیرند؛ به پای افتخارات ننشینند، بلکه بدانند بررسی بسیاری از آثار کلاسیک ما عرض و رزان غرب را قدرت داده تا زبده‌ی روح و زاده‌های عواطف ما را وسیله کنند و وجدان شرق را هدف گیرند، با بزرگ‌نمایی برخی افتخارات کهن یا ساختگی، مردم مشرق زمین را از واقعیت‌های زندگی و موقعیت‌های جهان هستی دور نگهدارند و به افتخارات بازدارنده مشغول کنند و خود بی‌زحمت به آنچه می‌خواهند برسند.

گردآورنده کتاب ظرفیت‌های هر





دو فیلم نامه  
 (لبخندهای یک شب تابستانی - شرم)  
 اینگمار برگمن  
 ترجمه غلامرضا صراف  
 نشر دیگر، ۱۳۸۴

من تنها یک حرفه‌ای هستم، فقط آدمی هستم که یک میز می‌سازد یا چیزی که قابل استفاده باشد، و تنها چیزی که مرا مجذوب می‌کند این است که قابل استفاده

باشد. این که خوب است یا بد، شاهکار است یا آشغال، ارتباطی با ساختن، یعنی با ذهن خلاق من ندارد. پس جوابم این است: احساس می‌کنم تنها در مقابل خوب بودن هنری، در مقابل چیزی که کیفیت‌های اخلاقی ذهن مرا دارد و در صورت امکان در مقابل دروغ نگفتن خودم مسئول هستم. این‌ها تنها خواسته‌های من هستند. وقتی فیلم می‌سازم، هرگز خودم را در ارتباط با موج نو یا فیلم‌های دیگرم یا فلینی یا جایگاه فرهنگی امروز جهان، تلویزیون و یا هر چیز دیگری قرار نمی‌دهم. من فقط فیلمم را می‌سازم.

به خاطر این که اگر چنین و چنان فکر کنم فیلمی در کار نخواهد بود. بنابراین، من مشکلات خودم را دارم و فقط وقتی که کار می‌کنم نشاط خود را به دست می‌آورم.

بی‌شک برگمان را از روی فیلم‌نامه‌ها و کتاب‌هایی که از او به فارسی ترجمه شده است می‌شناسیم. تقریباً فیلم‌نامه‌ی تمام آثار مهم او به زبان فارسی موجود است.

لبخندهای یک شب تابستانی در میان آثار برگمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شاید بتوان لبخندها... را حدفاصلی میان فیلم‌های نخستین برگمان که بیشتر نیز آثاری شاد و همراه با ریتمی پرتحرک هستند و آثار بعدی او که فلسفی‌تر و تلخ‌تر به زندگی نگاه می‌کنند و از آن ریتم تند و پرشتاب فاصله گرفته‌اند دانست. برگمان در لبخندها روابط متقابل چند زوج اشرافی را به نمایش می‌گذارد و به رغم طنز سیاه و ظاهر کمیک فیلم، درون مایه‌ها و دغدغه‌های اساسی و همیشگی او به چشم می‌خورد: عدم تفاهم زوج‌ها، سردی حاکم بر روابط زناشویی... برگمان در این فیلم هم‌چنین نقبی به دنیای در حال اضمحلال اشرافیت سنتی می‌زند و به زیرکی زوال و پوسیدگی هر دم فزاینده‌ی آن را که در ظاهری شیک و آراسته شده است نشان می‌دهد.

اما همان‌گونه که مترجم در ادامه اشاره می‌کند، شرم فیلمی است سراسر پرسش و بدون پاسخ. هرچند فیلم با امید و ادامه زندگی در میان مردگان تمام می‌شود، اما این روزن «نقبی به سوی نور» نمی‌تواند از تلخی و سیاهی فیلم بکاهد. در این فیلم برگمان دست‌مایه‌ی کارش را بر محور عدم تفاهم یک زوج قرار می‌دهد. در واقع برگمان درگیری‌های این زوج را بر بستر جنگی خیالی که بین دو نیروی شدیداً متخاصم جریان دارد، تصویر می‌کند اما فیلم از تصویرکردن صرف عدم تفاهم یک زوج فراتر رفته و وارد مقوله‌های مورد علاقه‌ی برگمان یعنی هستی‌شناسانه می‌رود، مقوله‌هایی چون علت و وجود عشق به هم نوع، مرگ و ترس از مرگ و پایداری و بقای عشق. پائولین کیل منتقد امریکایی شرم را یک شاهکار بی‌نقص از برگمان می‌داند برگمان بی‌تردید یک فیلم‌ساز مؤلف است. رمزگان و ویژه‌ی مؤلف در تمامی آثارش به کار رفته است. از برگمان چه فیلم‌نامه‌ی کمیک بخوانیم چه جدی، چه تلخ و چه شیرین، مهم آن است که هر دوی آنها برآیند ذهن و روح یگانه‌ای هستند و می‌توانند مورد بررسی‌ها و تأویل‌های بی‌شماری قرار گیرند.

des contes intitule's Les Mille et une nuite, Paris 1827

۶- درباره تقسیم‌بندی و نظر استروپ نک: مقاله الف لیلة و لیلة در دایرة‌المعارف اسلام.

۷- طسوجی، عبداللطیف. هزار و یک شب، نشر دانش نو، جلد پنجم، ص ۹۲ به بعد.

۸- در این مورد قس داستان‌های سیف الملوک و بدیع‌الجمال از شب هفتصد و پنجاه و نهم تا شب هفتصد و هفتاد و هشتم با داستان اردشیر و حیات النفوس، جلد پنجم ص ۱۴۸ به بعد.

۹- نک، هزار و یک شب، جلد چهارم، ص ۱۵۲ به بعد، مدینه نحاس و در ادامه حکایت مکر زنان تا ص ۲۱۶

۱۰- این مجموعه از شب هفتصد و هفتاد و نه تا شب هشتصد و سی و یک را دربر می‌گیرد. نک: هزار و یک شب جلد پنجم، ص ۱۸۰ به بعد.

۱۱- در این مورد نک: هزار و یک شب، جلد ۴ ص ۱۳ به بعد

۱۲- در این باره نک: آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی در آثار منتشر نشده دوران قاجار انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۹۰ حاشیه.

۱۳- مدرس تبریزی، محمدعلی. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، جلد سوم، شرکت سهامی طبع کتاب، تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۳ نیز ادبیات عامیانه ایران، ۳۹۵. ۱۴- هزار و یک شب. جلد ۶، ص ۱۱۲ تا ۱۲۸. ۱۵- همان. ج ۶، ص ۶۴.

۱۶- در این مورد نک: جلد ۴ ص ۱۳۳ شب پانصد و پنجاه و شش و درباره آزمندی بر سفرها: همان ۱۴۵، شب پانصد و شصت و چهار.

سخن کوتاه، اگر کتابی چون هزار و یک شب مورد توجه همه‌ی ملت‌ها قرار می‌گیرد به دلیل جاذبه‌های عمده‌ی هنری و اجتماعی است که کتاب را به مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی جهانی تبدیل کرده است. از سویی می‌تواند برای معرفت‌شناسان کامل صفت با پیام‌ها و نشانه‌ها و اشاره‌هایی که دارد منبع مهمی در تحقیقات اجتماعی و دریافت نکته‌های دقیق فرهنگی باشد و از سوی دیگر داستان‌های دلپذیر آن انگیزه بخش مطالعه، و مصدري در جهت مراجعه‌ی اهل فرهنگ همه‌ی این ملت‌ها گردد و سبب وجود نظیره‌ها و گزیده‌ها و ترجمه‌های بسیار شود.